

فهرست

شیرکو بی کس

سلیمانیه و سپیده دم جهان

سید علی صالحی

محمد رثوف مرادی

بাহمراهی

میریوان حلبچه ای و امان جلیلیان



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲ء»

فهرست

۱۱	بازسازی کلام شیرکو و دیدار در دره پروانه
۱۵	دیدار
۱۷	تناسخ
۱۹	تونل
۲۱	اگر
۲۲	سنگ ریزه‌های
۲۳	پایان رنج‌ها
۲۴	حلول
۲۵	مقابل هم
۲۷	ما
۲۹	دستکش‌ها
۳۱	در سرزمین من
۳۲	عشق
۳۳	جیمز جویس
۳۴	در اینجا
۳۵	ضنین
۳۶	شعر
۳۷	اگر واژه‌های من
۳۸	انتخاب
۴۰	گورهای بی‌نشان
۴۱	بر این خاک
۴۲	نوشتن

شیرکو بی‌کس

سلیمانیه و سپیده‌دم جهان

سیدعلی صالحی - محمد رنوف مرادی

با همراهی مریوان حلبچه‌ای و امان جلیلیان

چاپ دوم: ۱۳۹۶

چاپ دیجیتال: قشقای

شابک: ۹-۳۲۶-۳۵۱-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ محفوظ است.

* * *

مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خ انقلاب، خ شهدای ژاندارمری، بین خ. فخر رازی و خ. دانشگاه، پ. ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲-۰۶۶۹۷۵۷۱۱، ۰۶۶۴۸۰۳۷۷-۸، ۰۶۶۴۶۶۹۴۰، تلفکس: ۰۶۶۹۷۵۷۰۷

www.negahpub.com info@negahpub.com

Email: negahpublisher@yahoo.com

instagram.com/negahpub

telegram.me/newsnegahpub

۷۴	مقابله
۷۶	داستان ماه و دریا
۷۹	خاک
۸۰	قربانی
۸۱	عاشقی
۸۳	هیچ کدام
۸۴	راز
۸۵	راه
۸۶	شب زنده دار
۸۷	میراث
۸۹	برف
۹۱	مرگ
۹۲	توانایی
۹۴	یک دکمه
۹۶	مجلس عزا
۹۷	جنگ
۹۸	جشن بزرگ
۱۰۰	همدلی
۱۰۱	حلیجه
۱۰۳	واکسی
۱۰۵	برای گرسنگان
۱۰۷	واگن
۱۰۸	میله‌ها
۱۰۹	درد
۱۱۰	عسل
۱۱۱	یکی برای بقیه
۱۱۲	دو حبه انگور
۱۱۳	دره پروانه‌ها

۴۳	ادامه هم
۴۴	بایتخت آتش
۴۵	مرگ
۴۶	اندوه، اندوه آبدی
۴۸	نگاه کن
۴۹	فاصله
۵۰	او
۵۲	پیانو
۵۳	مهمانی
۵۴	شقایق و تمشک
۵۵	تاریک روشن
۵۶	شاهد
۵۷	زنجیره زرین عشق
۵۸	مقایسه
۵۹	آتش
۶۰	چهار پایه
۶۱	مداد
۶۲	سیلاب
۶۳	در جنگل
۶۴	بوته
۶۵	قلم و ماهی سرخ
۶۶	هدیه
۶۷	گرامی من: زن!
۶۸	شیشه مُرکب
۶۹	به یاد آر
۷۰	ویلن
۷۱	بید و عقاب
۷۲	اشاره
۷۳	نقاشی

وزیدن آرام بو..... ۲۶۵

خوش‌بوترین آواز این رساله را..... ۲۷۰

برای نوزاد بیوه‌زنی می‌خوانم..... ۲۷۰

میان من و زبان..... ۲۸۱

گفت و گویی روزانه رُخ داده است..... ۲۸۱

بوی گندِ دیکتاتور..... ۲۸۹

رایحه... راه من است و..... ۲۹۸

راه من رایحه است..... ۲۹۸

از بوی برف..... ۳۰۱

بو، راه‌بلد من است..... ۳۰۵

که راه می‌برد مرا..... ۳۰۵

رساله رایحه را کودکی نوشت..... ۳۰۹

که از گرسنگی‌ها گذشته بود..... ۳۰۹

بوی سگ و سلطان..... ۳۱۷

سرزمین مرا فرا گرفته است..... ۳۱۷

بوی غمگین‌ترین واژه‌ها..... ۳۲۰

بوی پیراهنِ مردی در محبس جزیره..... ۳۲۴

زبان بی‌رایحه..... ۳۳۱

میران باز می‌گردد..... ۳۳۷

آلوده به عطر افتخار..... ۳۳۷

از شیب دره خلوت..... ۳۴۰

بازخوانی کتابِ آب..... ۳۴۳

من این جا هستم، آواره عطر کتاب...!..... ۳۵۵

برهنه تا صبح..... ۳۶۳

در بوی قصیده او..... ۳۶۳

دیگر نه آینه‌ای مانده و نه ستاره‌ای..... ۳۶۷

از عطرِ آخرین آوازا..... ۳۷۰

سفر کردستان عراق و جایزه ادبی «گلاویژ»..... ۳۷۹

بازسرایی کلام شیرکو

به احترام

دیدار در دره پر حکمت محمد کریم (مه‌لا به‌ختیار)

سید علی حسینی

پنج سال پیش از این، در همین خیابان‌های آشنا قدم می‌زدیم،
کسی را اولین بار از زبان او شنیدیم. بیست و پنج سال پیش از
این روزگار، «شاعر و داستان‌نویس گرد» و بعدگویی پلکی
بهر روز آمد و بسته شد، یک ربع قرن گذشت!

آن روز که ایران را ترک کرده، به پاری «ناصر سینا» سفر به ساحت شعر
کردستان عراق را ادامه دادم، و «ناصر» که ایران را ترک کرد، تنها نماندم. تا
امروز که با سید علی محمد رفوف مرادی و عزیزان حلججه‌ای و... هم‌بندان
بودم خود را با کلام گرد حفظ کرده‌ام.

قریب به دو دهه پیش از این، شعر کردستان عراق را به جامعه فرهنگی
معنای معنی کردم، و امروز آن روزی که رو به آفتاب، شعاع و شعله‌ای دیگر
با خود گرفته است، و کمتر اهل علاقه‌ای است که نداند کردستان عراق چه
کاهان مقدسی در کیش کلمه دارد.

هر این راه دستاورد تلاش‌هایم نخست در مطبوعات ادبی منعکس شد، و
شیرکویی کسی را شناختم، و بعد لطیف هکمت، عبدالله پشیر، رفیق صابر، و
امروز، فرهاد پیربال و تنی چند شاعران مطرح آن موطن غرب را

بازسرای کلام شیرکو

و

دیدار در دره پروانه

سیدعلی صالحی

بیست و پنج سال پیش از این، در همین خیابان‌های آشنا قدم می‌زدیم، نام شیرکو بی‌کس را اولین بار از زبان او شنیدم. بیست و پنج سال پیش از این؛ همراه «به رژناکره‌یی» شاعر و داستان‌نویس گُرد. و بعد گویی پلک پنجره باز شد و بسته شد: یک ربع قرن گذشت!

«به‌رژ» که ایران را ترک کرد، به یاری «ناصر سینا» سفر به ساحت شعر کردستان عراق را ادامه دادم، و «ناصر» که ایران را ترک کرد، تنها نماندم، تا امروز که با همدلی محمد رئوف مرادی و مریوان حلبچه‌ای و... همچنان بیوند خود را با کلام گُرد حفظ کرده‌ام.

قریب به دو دهه پیش از این، شعر کردستان عراق را به جامعه فرهنگی مهن‌ام معرفی کردم. و امروز آن روزنه رو به آفتاب، شعاع و شعله‌ای دیگر به خود گرفته است، و کمتر اهل علاقه‌ای است که نداند کردستان عراق چه کاهنان مقتدری در کیش کلمه دارد.

در این راه، دستاورد تلاش‌هایم نخست در مطبوعات ادبی منعکس شد، و شیرکوبی کس را شناختیم، و بعد لطیف هَلَمَت، عبدالله پشیو، رفیق صابر، و تا امروز: فرهاد پیربال و تنی چند شاعران مطرح آن موطن غریب را: